



خوب یادم هست که در همان لحظه‌های نخست، هفتاد نفر از مردم بومی مسلح شدند و دوش به دوش پاسداران و نیروهای اعزامی قرار گرفتند. طی همان سه، چهار شب اولی که «نودشه» آزاد شده بود، عناصر دموکرات ضدحمله‌ای انجام دادند که شکست خورد. در تاریخ بیست و یکم اردیبهشت سال شصت به کوه‌های «اورامان تخت» که ۲۸۹۰ متر ارتفاع دارند حمله‌ور شدیم. ارتفاعات «کله تنگه» بادشواری و سختی بسیار زیاد، آن‌هم با وجود برفی به ارتفاع ۳ متر به تصرف ما درآمد. ولی میزان رشادت و ایثار بچه‌ها، بالاتر از برف و سرما و کوه‌ها و هر مانع دیگری بود. ارتفاع ۲۶۰ متری کله تنگه، توسط جان بر کفان پاسدار از عناصر خودفروخته‌ی رزگاری بازپس گرفته شد و به تصرف نیروهای ما درآمد. این در حالی بود که بعث عراق آن‌ها را روی این ارتفاعات مستقر کرده و نیروهایش را به داخل خاک خودش کشیده بود. پس از فتح و تسخیر ارتفاعات کله تنگه، ما از روی این ارتفاعات پیشروی خودمان را ادامه دادیم.

در ادامه‌ی همین پیشروی‌ها بود که ارتفاع حساسی به نام کمر سیاه نیز در کنار کله تنگه به تصرف ما درآمد. متعاقباً در تاریخ ششم خرداد ۱۳۶۰ ارتفاع هوانیما؛ که موقعیتی استراتژیک داشت و درست در جنب ارتفاعات تخت لنگه واقع شده، از چنگ خودفروختگان رزگاری بیرون کشیده و بازپس گرفته شد. چندین نفرشان کشته شدند و مقداری اسلحه و غنائم از این عناصر در زیر پنج متر برف به دست آمد. با گرفتن این بلندی، ما رزمندگان سپاه پاوه، از نظر عملیاتی، به جبهه‌ی مریوان پیوستیم.

نیروی مریوان بر روی تخت لنگه بود که ما هوانیما را فتح کردیم. یکی از بچه‌های پاسدار مریوان رفت بالای این ارتفاعات و تکبیر گفت. والله اکبر ما، نوید این پیروزی بود. روز هشتم خرداد ۱۳۶۰ می‌دیدیم که نیروهای عراقی ارتفاعات کاوه زهرا، دالانی منصور، مله هندو و شمشلی تا نوسود را، تصرف کرده و به داخل خاک ما نیرو کشیده بودند. در همان تاریخ، ما از بالای ارتفاعات روی سر مزدوران بعثی سرازیر شدیم. برادران پاسدار ما چون عقاب بر سر عراقی‌ها حمله‌ور شدند و در این ارتفاعات، علاوه بر مزدوران

و برفی که بیش از حد در این منطقه حکم‌فرما است باعث شد که حدود یازده نفر از برادران ما از بالای ارتفاعات برف گرفته سقوط کرده و در ته دره‌ها پاره شوند...»

رک به: مجله‌ی پیام انقلاب، اردیبهشت ۱۳۶۰.

بلافاصله پس از آن شروع کردیم به تبلیغات سیاسی، در جهت پیوستن مردم و دور راندن عناصر خود فروخته‌ی دموکرات توسط مردم نودشه. با توجه به این مسأله که این آبادی هفت هزار نفر جمعیت داشت و منطقه‌ی سوق الجیشی و حساسی بود، در هفتم اردیبهشت ۱۳۶۰ به خواست خدا با بیرون آمدن مردم از نودشه و استقبال‌شان از نیروهای مسلح دولت جمهوری اسلامی، ما پشت سر مردم، وارد شهر شدیم و ارتفاعات اطراف آن را هم به دست آوردیم. در نهایت پس از یک درگیری مختصر با عناصر مزدور حزب دموکرات، شهر را تصرف کردیم. ما مدارک بسیار زیادی از تشکیلات حزب دموکرات در نودشه به دست آوردیم. مطابق این مدارک ثابت شد که این‌ها فقط در طول یک سال قبل از آن، میلیون‌ها تومان از مردم به زور گرفته بودند. آن‌هم با عنوان «کارت تیمدی» که کلمه‌ای کردی است به معنای «کمک به خانواده»! در ازای آن کارت از هر خانواده صد تومان گرفته بودند و در عوض، خانواده‌ی بیچاره‌ای که دو سال در زیر تازیانه‌ی گروهک‌ها نفسشان بند می‌آمد، نه غذایی به آن‌ها می‌رسید و نه یک گالن نفت. به‌طوری که یک گالن نفت در نودشه و روستاهای دیگر این منطقه به‌طور قاچاق حتی تا چهارصد الی ششصد تومان هم خرید و فروش می‌شد. از طرفی برای خالی نبودن عریضه، رژیم بعث عراق برای گول زدن مردم، چندین ماشین ارزاق به این منطقه آورده بود.

به هر حال خوشبختانه در بهار ۱۳۶۰، این منطقه پاکسازی شد و مردم؛ استقبال عظیم و بی‌سابقه‌ای از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به عمل آوردند.<sup>۱</sup>

۱. در رابطه با همین عملیات، احمد متوسلیان؛ فرمانده وقت سپاه مریوان در تاریخ بیست و هفتم فروردین ۱۳۶۰، طی سخنانی در دومین سمینار سراسری فرماندهان سپاه در اصفهان، چنین گفت: «... تمام صحبت‌های من نتیجه‌ی دو سال و سه ماه حضور در کردستان از زمان شروع ماجراهای کردستان است... به خدا سوگند که ما خود را به آب و آتش زدیم تا بتوانیم به مرز برسیم و با صدام بجنگیم. ما در غرب در دو جبهه می‌جنگیم. یک جبهه داخلی که گروه‌های ضدانقلاب هستند و می‌دانید که چه تعداد از برادران ما را شهید کردند. وقتی صحبت از جنگیدن و شهید دادن می‌شود، صحبت از جنگیدن در ۹ متر برف است. جایی که انسان یخ می‌بندد و تحمل ده دقیقه نگهانی سخت است. به شکرانه خدا برادران ما تاکنون مقاومت کرده‌اند، جبهه‌ی دوم هم جبهه‌ی صدام می‌باشد... بعد از پیام امام (ره) عناصر فریب‌خورده‌ی ضدانقلاب خودشان را در گروه‌های ۲۰ الی ۳۰ نفره به سپاه تسلیم می‌کردند که با توجه به این امکانات توانستیم برادرانی که مایل بودند در این جبهه بجنگند را تجهیز کنیم. سرما